

معرفی و نقد کتاب

تسخیر

رضامومن زده^(۱)

اشاره: اشغال سفارت امریکارا به دست گروهی از دانشجویان کشور در تاریخ ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۸ باید در چهارچوب تحولات سیاسی و اجتماعی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بررسی کرد. همان طور که حوادث و وقایع دیگری، مانند جنگ عراق علیه ایران نیز در امتداد وقوع انقلاب اسلامی ارزیابی می شوند. اقدام تعدادی از دانشجویان کشور موسوم به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام [ره] در اشغال سفارت امریکا در تهران و به گروگان گرفتن کارکنان سفارت طی مدت ۴۴۴ روز، آنچنان با مفاهیم انقلاب اسلامی و تحولات پس از آن پیوستگی داشت که امام خمینی (ره) از آن به عنوان انقلاب دوم یاد کردند. از طرف دیگر، این واقعه بازتاب و پیامدهای عمیقی در روند تحولات داخلی و خارجی کشور پس از سال ۱۳۵۸ داشت و در این مورد دیدگاههای مختلفی نیز شکل گرفت. فارغ از اینکه اشخاص و گروههای سیاسی داخل کشور در مورد انگیزه‌ها و پیامدهای این اقدام چه دیدگاههایی مطرح کرده اند، تمامی آنها بر این نکته اذعان دارند که در کشاکش مسائل جناحی و سیاسی گروههای داخلی کشور، از واقعیتهای اشغال سفارت غفلت شده است. کتاب تسخیر نوشته خانم معصومه ابتکار، نخستین روایت مکتوب از درون سفارت تسخیر شده امریکا در تهران است. همان گونه که فردای رید، ویراستار کانادایی کتاب، در پیشگفتار می گوید، این کتاب نخستین روایت یک ایرانی است که شاهد اشغال سفارت امریکا در تهران به دست دانشجویان پیرو خط امام [ره] و آغاز بحران ۴۴۴ روز گروگانگیری بوده است. کتاب تسخیر را برای نخستین بار در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۴)، انتشارات کانادایی تالین بوکز (۱) به زبان انگلیسی منتشر و سپس، در سال ۱۳۷۹، انتشارات اطلاعات در تهران آن را ترجمه و منتشر کرده است.

معرفی کتاب

کتاب تسخیر مشتمل بر ده فصل، یک مقدمه و یک بخش با عنوان کلام پایانی است. حجت الاسلام موسوی خوئینیها بر این کتاب توضیحی نوشته و فردای رید ویراستار و نویسنده با سابقه کانادایی ضمن نوشتن پیشگفتار، پانویسهای تاریخی کتاب را بر عهده گرفته است.

● در بخش مقدمه، انگیزه نگارش کتاب تشریح شده است. در این مورد، نویسنده افزون بر بیان عامل زمان، موارد دیگری، مانند بیان دقیق ماجرا همراه با نقد، مقابله با تحریف

یا وارونه جلوه دادن ماجرا از جانب روایتهای رسمی غرب و کاهش تنش میان دو ملت ایران و امریکا را به عنوان انگیزه های اصلی خود در نگارش کتاب معرفی می کند. ابتکار با توجه به اهداف مزبور دو گروه مخاطب را برای کتاب عنوان می کند، غیر ایرانیها، به ویژه غربیها که سالها از دریچه تبلیغات رسانه ای جهانی به جریان تسخیر سفارت امریکا نگریسته اند و دیگری نسل جوان ایرانی که به دلیل بعد زمان از حقایق ملموس فاصله گرفته است. نویسنده یادآور می شود که کتاب تسخیر، تنها شرحی

(۱) محقق حوزه مطالعاتی جنگ ایران و عراق

تسخیر می‌انجامد. وی که تنها سه روز پس از اشغال سفارت، یعنی در تاریخ ۱۶ آبان ماه سال ۱۳۵۸ به جمع دانشجویان پیوست، در مورد افکار سیاسی خود توضیح می‌دهد که به هیچ‌گونه سیاسی‌تعلق نداشته و تنها از طریق یکی از همکلاسیهای خود و به دلیل تسلطش به زبان انگلیسی برای ترجمه به دانشجویان معرفی می‌شود. با وجود این، در توضیح فضای سیاسی و اجتماعی زمان مورد نظر و تأثیر آن بر تفکرات خود می‌نویسد: «حس می‌کردیم که پیرامون ما نظام ستمگری است که ما را در راستای منافع خود، بلکه در راستای منافع سیاستهای قدرتهای جهانی که دنیا را اداره می‌کند، هدایت می‌نماید، می‌دانستیم که این ظلم است، اما نمی‌دانستیم چگونه در برابر آن مقاومت کنیم». نویسنده در ادامه می‌کوشد تا پاسخهای صریحی را که بر واقعتهای آن روز مبتنی باشد، به برخی از ابهامات احتمالی مطرح شده پس از واقعه بدهد؛ ابهاماتی مانند اینکه دانشجویان فاقد درک سیاسی کافی بودند. نویسنده در پاسخ به این ابهام به صراحت می‌نویسد: «خوابگاه، مانند گهواره انقلاب بود... در واقع، در خوابگاهها امکان نداشت که کسی خود را از فعالیت سیاسی کنار بکشد». در این فصل، همچنین، مجموعه شرایط و فرآیندی که به تصمیم به اشغال منجر شده است، از زبان محمد (همسر

شخصی و تفسیری است و نمایانگر احساسات، نگرشها یا علایق سیاسی هیچ‌گروه یا دسته‌ای نیست. همچنین، وی تأکید می‌کند که هیچ‌گاه برای خود شأن قضاوت قائل نیست: «این کتاب فهرست مقولات درست و نادرست و نیز عذرخواهی بابت اعمال گذشته مان نیست».

با وجود این، نویسنده در مورد انگیزه‌ها و پیامدهای اشغال سفارت به اظهار نظر می‌پردازد. وی در مورد شرایط سیاسی کشور و تأثیر آن بر تصمیم دانشجویان برای تسخیر سفارت آمریکا، تأیید می‌کند که اقدام دانشجویان در پاسخ به تهدیدهایی بود که در آن زمان، از جانب آمریکا احساس می‌شد: «وقتی همین شاه - که حکومت طولانی‌اش ثروتی توصیف‌ناشدنی را نصیب خانواده و بستگانش و فقر و انقیاد فرهنگی را پیشکش مردم کرد - در آمریکا پذیرفته شد، اعتقاد یافتیم غرب دوباره قصد دارد استقلال نویافته ما را از میان بردارد...». البته، ابتکار در مورد بازتابها و پیامدهای آن تأکید می‌کند: «ما دانشجویانی که محاصره و اشغال سفارت آمریکا را برنامه‌ریزی و اجرا کردیم، هرگز پیش‌بینی نمی‌کردیم که این واقعه بیش از چند ساعت یا حداکثر، چند روز طول بکشد. هرگز تصور نمی‌کردیم که اقدام اعتراض‌آمیز ما چنین تأثیر عمیقی بر تاریخ سیاسی کشور و منطقه داشته باشد». در عین حال، وی به یکی از پیامدهای این واقعه در بخش خارجی اشاره می‌کند: «اشغال سفارت آمریکا بر تصمیم ایالات متحده و متحدان آن مبنی بر حمایت از حمله صدام به نهال نوپای انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت».

● فصل نخست کتاب با عنوان ابتدا و قبل از آن شرح مبسوط و قایعی است که در نهایت، به ورود ابتکار به ماجرای



مناطق مختلف کشور ما و نفوذ در نهادهای اجرایی مملکت. اعتراض به امریکا به دلیل نقش مخرب و خانمان برانداز خود در برابر رهایی خلقهای منطقه از دام امپریالیسم که هزاران انسان مؤمن و انقلابی را به خاک و خون می کشد».

در این فصل، همچنین، به نخستین و مهم ترین پیامد داخلی این واقعه اشاره می شود: «یک روز پس از اشغال سفارت به دست دانشجویان، نخستین دولت پس از انقلاب ایران سقوط کرد». در توضیح این پیامد این گونه می آید: «بازرگان مردی انقلابی نبود که از انقلاب دوم حمایت کند».

● فصل سوم، که در حقیقت، آغاز خاطرات نویسنده است، با نام استقرار تنظیم شده است. در این فصل، به دو موضوع مهم، یعنی مواجهه امریکا با اشغال سفارت و نیز آزادی سیزده نفر از گروگانها به دستور امام(ره) اشاره می شود. امریکا در برخورد اولیه با موضوع به زعم نویسنده اشتباه می کند؛ اقدامی که در پی آن، اقدامات سیاسی این کشور با شکست روبه رو می شود. حکومت وقت امریکا به دنبال عملی کردن یکی از این دو راه بود: (۱) تبعید شاه به یک کشور ثالث و (۲) تلاش میانجی گرایانه از طرف کشور ثالث. عدم نتیجه گیری امریکا از هر دو راه موجب شد تا سبب اتهامات و دروغها در قالب جنگ تبلیغاتی علیه ایران به راه افتد. افزون بر این، نویسنده با بیان جزئیات آزادی سیزده نفر از گروگانها در تاریخ ۲۸ آبان ماه سال ۱۳۵۸، بر این نکته تأکید می کند که اشغال سفارت از این تاریخ به بعد در رأس دستور کار سیاست خارجی ایران با امریکا قرار گرفت.

● فصل چهارم با نام گشایش رمز اسناد به مرحله مهم افشاگری اختصاص یافته است. این مرحله از آن نظر اهمیت دارد که با آغاز آن، تنشهای سیاسی جدی ای در داخل کشور ایجاد شد: «برخی از اعضای دولت موقت که در این اسناد از آنها نام برده شده بود، به شدت اعتراض می کردند. با وجود این، دانشجویان بر اساس تبعیت از دستورات امام[ره] بدون هیچ گونه ملاحظه ای افشاگری را ادامه می دادند. امام[ره] فرمودند: حتی اگر چیزی درباره من نیز پیدا کردید، افشا کنید». نویسنده همچنین، یادآور می شود: «عدالت انقلابی، برق آساعمل می کرد و به فرایندهای لازم جامعه مدنی توجه چندانی نداشت».

● مذاکره هرگز نام فصل پنجم این کتاب است. امریکا که به نظر می رسد از تداوم وضعیت گروگانگیری کاملاً ناراحت است، نهایت تلاش خود را کرد تا موضوع را از طریق مذاکره حل و فصل کند، اما دانشجویان، که تنها چندروز پس از اشغال حمایت ملت را کسب کرده بودند و امام(ره) نیز از

نویسنده) بازگو می شود. در این مورد توضیح می دهد که مردم ایران به دلیل داشتن سابقه منفی رفتارهای امریکا، چگونه با این ماجرا برخورد کردند؛ تفکری که در ذهن دانشجویان نقش بسته بود و تنها اقدام امریکا به اجازه ورود شاه به خاک آن کشور به تسخیر سفارت امریکا در تهران منجر شد. از طرف دیگر، مجموعه اقدامات دانشجویان پیش از اشغال و فرایندی که به تصمیم به اشغال انجامید، بیانگر این موضوع است که این تصمیم کاملاً عاقلانه و تنها راه ممکن بود.

● در فصل دوم با نام اشغال بتخانه، نویسنده می کوشد تا رویکرد مسالمت آمیز و غیر خشونت آمیز دانشجویان را در پاسخ به حمله تبلیغاتی رسانه های غربی تبیین کند؛ چرا که رسانه های غربی در معرفی دانشجویان از عبارتهایی، مانند تروریسم و وحشیگری استفاده می کردند.

● از آنجا که اشغال سفارت امریکا به عنوان اقدام غیرمنتظره ای در داخل و خارج کشور تلقی می شد، دانشجویان در بیانیه شماره ۱ خود، این گونه توضیح دادند: «ما دانشجویان مسلمان پیرو خط امام خمینی از مواضع قاطعانه امام در مقابل امریکای جهانخوار به منظور اعتراض به دسیسه های امپریالیستی و صهیونیستی، سفارت جاسوسی امریکا در تهران را به تصرف در آورده ایم تا اعتراض خویش را به گوش جهانیان برسانیم. اعتراض به امریکا برای پناه دادن و استفاده از شاه جنایتکاری که قاتل دهها هزار زن و مرد به خون خفته در این مملکت است. اعتراض به امریکا به علت ایجاد فشار تبلیغاتی مسموم و انحصاری و کمک و حمایت از افراد ضدانقلابی و فراری علیه انقلاب اسلامی. اعتراض به امریکا به دلیل توطئه ها و دسیسه های ناجوانمردانه اش در

آنها حمایت نموده بود، باب هرگونه مذاکره را در برابر امریکاییان بستند: «چیزی برای مذاکره وجود نداشت و تنها راه، استرداد شاه بود».

حکومت وقت امریکا که به نظر می رسید از نظر داخلی به حل موضوع نیاز شدیدی داشت، ترفندهای دیگری از جمله ارتباط با چهره های سکولار و غیر مذهبی ایران برقرار کرد، اما این بار امام [ره] با احاطه موضوع به مجلس، راه هرگونه مذاکره یا معامله پنهانی را بست.

● ابتکار در فصل ششم با عنوان گروه‌گانها و دانشجویان، زندگی در داخل سفارت نیز با اشاره به برخی از خاطره های خود، از زندگی با گروه‌گانها در طول مدت گروه‌گانگیری توضیح می دهد که چگونه مسئله امنیت تمامی جنبه های زندگی دانشجویان و گروه‌گانها را در داخل سفارت تحت الشعاع قرار داده بود: «از نخستین روز اشغال سفارت، امنیت و ایمنی گروه‌گانها از نگرانیهای اصلی ما بود. نه تنها قصد صدمه زدن به آنها را نداشتیم، بلکه مصمم بودیم به هیچ کس نیز اجازه این کار را ندهیم. عقیده داشتیم که باید با آنها به عنوان زندانی یا گروه‌گان، انسانی ترین رفتار ممکن را داشت».

● نگاه رسانه های غربی به موضوع و رویکرد یکجانبه گرایانه و غرض ورزانه آنها نسبت به ماجرا و مسائل حاشیه ای آن، یکی از نگرانیهای بزرگ نویسنده است که حتی در پیدایش انگیزه های اولیه در وی برای نگارش کتاب بسیار مؤثر بوده است. در این راستا، نویسنده در فصل هفتم با عنوان جنگهای رسانه ای، ابعاد این موضوع را موشکافی می کند. به اعتقاد وی، بیان نکردن واقعیتها موجب شده است تا امروزه، در مورد ماجرای تسخیر سفارت درک درستی در جامعه امریکا و حتی ایران وجود نداشته باشد.

از طرف دیگر، هرچند رسانه های غربی خلاف جهت واقعیتها گام بر می داشتند، اما نویسنده معتقد است که پرداختن رسانه ها به موضوع نتایج مثبتی نیز داشت، از جمله معرفی جنبش دانشجویی کشور به دیگر جنبشهای رهایی بخش دنیا. بنابراین، موضوع ابعاد منطقه ای و بین المللی یافت و بازتابهای خارجی آن به تغییر ماهیت موضوع انجامید و مقدمات تبدیل آن را به جنبشی ضدامپریالیستی در بعد بین المللی فراهم آورد.

با وجود این، نویسنده در پایان فصل این پرسش را مطرح می کند: «آیا امروز که بیست سال از آن تاریخ گذشته است، نگرشهای قدیمی به تدریج تغییر می کنند؟»

● به رغم ناامیدیهای اولیه به دلیل تبلیغات منفی رسانه های غربی، نویسنده در فصل هشتم اطمینان می دهد که

بالاخره، بخشی از پیام دانشجویان به گوش جهانیان می رسد. این موضوع به دلیل نامه ها و تلفنهایی بود که در طول زمان گروه‌گانگیری برای دانشجویان فرستاده می شد. البته، دیوار سفارت موجب شده بود تا دو دنیای متفاوت خلق شود. دنیای خارج سفارت که از طریق نامه، تلفن و بازدیدها با داخل سفارت ارتباط برقرار می کرد و دنیای داخل سفارت که فضای آن محصول تعامل دانشجویان و گروه‌گانها بود.

● امریکا که به دلیل این اقدام دانشجویان، هیمنه اش در سطح جهان شکسته شده بود و از حل و فصل کردن موضوع از طریق راههای سیاسی عاجز مانده بودند، به جای پذیرش شرایط دانشجویان که در حقیقت شرایط ملت و رهبری بود، این بار، به راههای نظامی متوسل شد. اعزام نیروهای موسوم به دلتا با همکاری برخی از عناصر ضدانقلاب داخلی، به ویژه در بدنه ارتش برای آزادی گروه‌گانها - که در نهایت، به دلیل روبه رو شدن با طوفان شن و ماسه به شکست انجامید - اقدامی بود که در تاریخ انقلاب اسلامی به حادثه طیس معروف است. در فصل نهم، با شکست نیروهای دلتا نویسنده به این موضوع پرداخته است. وی در پایان این فصل می نویسد: «نمی دانم کتابهای تاریخ درباره آنچه در طیس اتفاق افتاد، چه قضاوتی خواهند کرد؟ اما امیدوارم آن قدر این قضاوت [بی طرفانه باشد که به خواننده یا دانشجویان اجازه دهد خود، بر مبنای آنچه رخ داده است، به قضاوت بنشینند».

● آخرین فصل کتاب به حل و فصل اختلافات، سازشها و تحویل سالم گروه‌گانها اختصاص دارد.

فصل دهم از آن نظر برای خواننده مهم ترین بخش کتاب است که هر آنچه آغاز ماجرا را موجب شده است، در این فصل، حل و فصل می شود. همچنین، چگونگی پایان یافتن

ماجرای و دستاوردهای دانشجویان بیش از هر مسئله دیگری برای ذهن خواننده پرسش برانگیز است، به ویژه اینکه امام (ره) مسئله گروگانها را مسئله ای ملی می دانستند. ایشان اصرار می کردند که نمایندگان منتخب مردم باید تصمیم نهایی را درباره سرنوشت آنها بگیرند. این بدان معنا بود که هیچ یک از گروههای سیاسی کشور که به شدت با یکدیگر اختلاف داشتند، نمی توانست از نتیجه آن برای خود اعتبار یا سودی کسب کند.

در این فصل، با موضوعات مهمی روبه رو می شویم که برخی از آنها عبارت اند از: بیانیه تاریخی امام (ره) در مورد شروط ایران برای آزادی گروگانها؛ مباحثات داخلی مجلس، که با آغاز تهاجم ارتش عراق به ایران وضعیت ویژه ای به خود گرفته بود؛ تلاشهای مخفیانه برخی از مقامات کشور برای آزادی گروگانها و در نهایت، تصویب شرایط امام (ره) در مجلس و اجرای آن از سوی دولت شهید رجایی.

نویسنده در مورد دخالت دانشجویان در این مرحله می نویسد: «ما دانشجویان هیچ گاه، در اجرای این فرایند دخالت نداشتیم. هیچ کس با ما مشورت نکرد یا ما را در جریان نگذاشت».

● کلام پایانی نویسنده را می توان در این جمله خلاصه کرد: «تفکر اصلاحات که در سال ۱۳۷۶، در داخل کشور آغاز شد، ادامه همان تفکر اشغال سفارت است. به اعتقاد ابتکار، جنبش اصلاحات سال ۱۳۷۶ نتیجه طبیعی اشغال سفارت امریکا در سال ۱۳۵۸ است؛ چرا که شرکت کنندگان در هر دو جنبش از یک جنس اند. با وجود اینکه کتاب حاضر به دلیل موضوعش تنها می تواند برخی از این پرسشها را پاسخ دهد، آشکارا، به ارتباط میان اشغال سفارت در سال ۱۳۵۸ و جنبش اصلاحاتی اشاره می کند که در سال ۱۳۷۶ پدیدار شد. آیا این تنها یک تصادف و بازی سرنوشت بود یا توالی منطقی و قابل پیش بینی رخدادها؟ در هر صورت، هیچ کس نمی تواند انکار کند که این دو نقطه عطف تاریخی، شرکت کنندگان مشترکی دارد و جنبش اصلاحات نتیجه طبیعی اشغال سفارت است، گو اینکه این دو فرایند در ظاهر، از نظر شیوه و هدف با یکدیگر در تناقض هستند.

نقد و بررسی کتاب

جنبش اصلاحات از سال ۱۳۷۶ در کشور آغاز شد. این روند به شکل گیری فضای گفتمان انتقادی در کشور انجامید. در این دوره، تمامی فعالیتهای گذشته در تمامی ابعاد آن نقد شد و حتی برخی از تندروها فضای نقد ساختار شکنانه را شکل

داد؛ نقد ساختار شکنانه ای که حتی ماهیت و هویت یک موضوع یا تحول را با پرسش و ابهام روبه رو می کرد.

اشغال سفارت امریکا در تهران به دست تعدادی از دانشجویان مسلمان پیر و خط امام (ره) در سال ۱۳۵۸، دقیقاً یکسال پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت. این حادثه افزون بر اینکه اهمیت بسزایی در تعیین روند تحولات کشور پس از سال ۱۳۵۸ دارد، در دوران اصلاحات و در کنار دیگر تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی، گروهها و جناحهای سیاسی داخل کشور آن را به بحث چالش گذاشتند، همان طور که در زمان وقوع نیز موافقان و مخالفانی داشته است.

نگاهی به فضای رسانه ها و مطبوعات دوران اصلاحات بیانگر این موضوع است که هر بار به ایام گرامیداشت اشغال سفارت امریکا در تاریخ ۱۳ آبان ماه هر سال نزدیک شده ایم، دیدگاههای کاملاً متفاوت و متعارضی در مورد آن ارائه شده است. موافقان تا بدانجا پیش می روند که حتی مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی را به عنوان پیامد این واقعه معرفی و مخالفان، نه تنها به نتایج منفی قایل هستند، بلکه اشغال سفارت را حرکت اشتباهی می دانند که پیامدهای منفی داخلی و خارجی برای کشور به دنبال داشته است.

ابتکار، ضمن آنکه خود را نماینده جنبش اصلاحات معرفی می کند، به عنوان کسی که در دوران اشغال سفارت حضور مستقیم داشته است، می کوشد تا در چنین فضایی، برای نخستین بار، بخشی از واقعیت آن دوران را بازگو کند. هر چند وی در همان آغاز، تأکید می کند که تسخیر، شرحی شخصی و تفسیری است و نمایانگر احساسات، نگرشها و



۱) ایجاد تعارض در داخل و ۲) بی‌تفاوتی دنیای خارج. هر چند این نکته در هیچ قسمت کتاب به صراحت ذکر نشده است، اما به نظر می‌رسد، نویسنده برای غلبه بر این مشکل است که تأکید می‌کند: «اگر انقلاب اسلامی ایران هیچ چیز دیگری به ما نیاموخته باشد، دست کم، این درس را در برداشته است که چگونه در برابر درخواستهای یک ابرقدرت مقاومت کنیم. جنبش اصلاحات، که به آن پایبند هستیم، از این قاعده مستثنی نیست».

همچنین، نویسنده، نه تنها تسخیر سفارت را حق مسلم ملت ایران می‌داند، بلکه این اقدام را تنها راه ممکن برای دادخواهی ملت ایران در برابر امریکا معرفی می‌کند، اما اینکه چرا این حادثه بر روابط ایران و امریکا تأثیر منفی گذاشت، به اعتقاد نویسنده، به دلیل تأثیرات مخرب رسانه‌های غربی و تلاشی بود که دولتمردان امریکا انجام دادند. در عین حال، موسوی خوئینها در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته است، این پرسش را مطرح می‌کند: «اگر امروز در شرایط کنونی، از کسانی که سفارت سابق امریکا در ایران را در سال ۱۳۵۸ اشغال کردند، پرسیده شود که آیا امروز، برای کسب حقوق خود که دولت ایالات متحده آنها را نابود کرده است، حاضرید دست به اقدام مشابه بزنید؟ وی در پاسخ به آن تأکید می‌کند: «به طور قطع پاسخ منفی خواهد بود».

با توجه به موارد مزبور، به نظر می‌رسد در درون جنبش اصلاحات دو دیدگاه در مورد ارزیابی اشغال سفارت ایجاد شد. دیدگاه نخست، اشغال سفارت را اشتباه خواند. فرد ای. رید در پیشگفتاری، که بر کتاب نوشته است، این دیدگاه را این گونه توصیف می‌کند: «همراه با او جگیری روحیه جدید صراحت در جامعه ایران، برخی، به ویژه فیلسوف ناراضی عبدالکریم سروش می‌گویند اشغال سفارت و گروگانگیری اشتباه بوده است. به نظر وی، دانشجویان سابق که امروز، در جامعه جایگاه تأثیرگذاری را به دست آورده‌اند، از طریق اقدام سیاسی مثبت و مسالمت آمیز می‌گویند اشتباهات گذشته خود را جبران کنند. دیدگاه دوم با انتخاب جانب اعتدال‌تهارویکردی را که به اشغال سفارت منجر شد، به نقد می‌کشد و در عین حال، دشمنیهای دو ملت را نتیجه سوء تفاهمات می‌خواند که می‌توان تلاش ابتکار را در کتاب تسخیر در چهارچوب همین دیدگاه ارزیابی کرد».

علاقی سیاسی هیچ گروه یا دسته‌ای نیست، اما این اعتقاد خود را پنهان نمی‌کند که جنبش اصلاحات ادامه طبیعی اشغال سفارت است.

نویسنده در کلام پایانی کتاب با ارائه نتیجه مزبور، خواننده را با پرسشی اساسی روبه‌رو می‌کند مبنی بر اینکه آیا می‌توان بین جنبش اصلاحات و اشغال سفارت رابطه‌ای منطقی برقرار کرد؟ این در حالی است که طی ده فصل گذشته، مجموعه‌ای از رویدادها که کمترین توضیحات را در مورد شرایط و ویژگیهای سیاسی دوران اشغال سفارت در بر دارد، می‌گوید. از سوی دیگر، در توضیح این رابطه هیچ کمکی به خواننده نمی‌کند؛ بنابراین، خواننده در پایان کتاب با خلأ بزرگی روبه‌رو می‌شود؛ چرا که برای درک این رابطه، نه تنها باید در منابع دیگر به مطالعه و بررسی شرایط و رویکردهای سیاسی جامعه پیش و پس از حادثه گروگانگیری پردازد، بلکه باید در مورد درک روند پیچیده اصلاحات و برقرار کردن رابطه منطقی میان این دو جنبش همت گمارد. نویسنده، تنها کمکی که به خواننده می‌کند این است که عواملان دو جنبش مزبور را از یک جنس معرفی می‌کند. بدین معنی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (ره)، که در سال ۱۳۵۸ توانستند سفارت امریکا را اشغال کنند، در سال ۱۳۷۶، جزء سردمداران جنبش اصلاحات شدند.

البته، به نظر می‌رسد، برخی از نگرانیهای داخلی در مورد بازتابهای خارجی جنبش اصلاحات موجب شده است تا ابتکار در بسیاری از بخشهای کتاب ابراز امیدواری کند تا چاپ کتابش کمکی برای رفع سوء تفاهمات میان دو ملت ایران و امریکا باشد؛ چرا که اساساً جنبش اصلاحات با درپیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی با دو مشکل اساسی روبه‌رو شد: